

توصیه های اندیشکده سیاست خاور نزدیک واشنگتن به دولتمردان آمریکا برای مقابله با ایران

منطقه آسیا طی ۵۰۰ سال گذشته و به ویژه در یکصد سال اخیر، عرصه رقابت های جدی میان قدرت های برتر جهان بوده است. با وقوع انقلاب اسلامی و پدید آمدن جمهوری اسلامی ایران در این منطقه، یک تحول تاریخی بزرگ رخ داد. پس از چند سال با وقوع انقلاب اسلامی، یک نیروی منطقه ای و بومی بسیار قدرتمند، در برابر نفوذ و سلطه بیگانه به نام جبهه مقاومت با محوریت ایران در این منطقه راهبردی شکل گرفته است.

اکنون منطقه غرب آسیا، صحنه رویارویی دو نیروی متفاوت و با ویژگی های خاص است. سرنوشت این رویارویی، نظم آینده جهان و سمت و سوی حرکت تاریخ در هزاره سوم را مشخص میکند. امریکایی ها با کمک متحدان اروپایی، صهیونیستی عربی خود شامل حکومت های خاندانی چون آل سعود، تلاش می کنند از دست رفته خود را در این منطقه باز یابند. ایران با کمک ملت های منطقه و جریان مقاومت، تلاش می کند به نفوذ بیگانه در منطقه پایان داده و با وحدت بخشی به مسلمانان، تمدن نوین اسلامی را پی ریزی کرده و جهان اسلام را در جایگاه واقعی خود در نظام بین الملل بنشانند. تمامی آنچه طی ۴۰ سال گذشته در منطقه بین ایران و آمریکا رخ داده، بر سر چنین آینده ای است.

اکنون پرسش این است که آینده منطقه چگونه خواهد بود؟ سرنوشت این نبرد استراتژیک چگونه رقم خواهد خورد؟ پیروز این منطقه کدام نیرو و طرف می باشد؟

اکنون نفوذ راهبردی ایران در دل ملت های منطقه که با حضور جمهوری اسلامی ایران در عراق سوریه لبنان و همراه شده، به یک کابوس وحشتناک برای امریکایی ها، صهیونیست ها، برخی از دولت های اروپایی و دولتهای مرتجع عربی در منطقه تبدیل شده است. اکنون دغدغه اصلی جبهه استکبار با محوریت آمریکا، تثبیت این نفوذ و حضور است.

آنان به درستی دریافتند که تثبیت نفوذ و حضور جمهوری اسلامی ایران در منطقه، تحولات بزرگی را در منطقه و جهان در پی خواهد داشت. بر همین اساس امریکایی ها با تمام توان، یک جبهه ضد ایران را تشکیل دادند و در صددند با انواع و اقسام فشارها، به قدرت و نفوذ منطقه ای جمهوری اسلامی ایران پایان دهند، آیا آنان موفق می شوند؟ آیا امریکایی ها موفق تحمیل اراده خود به ملت ایران از طریق برجام های موشکی و منطقه ای خواهند شد؟

بر اساس رصد تحقیقاتی که توسط اندیشکده های آمریکایی به دست می آید، برنامه های متنوعی برای عقب راندن ایران از نفوذ منطقه ای توسط آمریکا پیش بینی شده است. از جمله پژوهشی که توسط اندیشکده سیاست خاور نزدیک واشنگتن در سال ۲۰۱۸ ارائه شده است، تمام ابعاد نفوذ ایران در منطقه، مورد بحث قرار گرفته است. این تحقیق به درستی اذعان می کند که جمهوری اسلامی ایران طی یک دهه گذشته به جایگاهی عظیم در منطقه دست یافته است:

«ایران طی یک دهه گذشته از یک کشور نگران از محاصره شدن به کشوری تبدیل شده است که راهبرد محاصره را در برابر مهم ترین متحدان منطقه ای آمریکا، یعنی عربستان و اسرائیل به اجرا می گذارد؛ از یک کشور به لحاظ راهبردی، تنها و منزوی، به رهبر منسجم ترین اردوگاه سیاسی نظامی، در منطقه یعنی به اصطلاح محور مقاومت تبدیل شده است.»

نویسنده ضمن پرهیز آمریکا به تقابل نظامی با ایران توصیه می کند که واشنگتن در عوض باید به دنبال آن دسته از موفقیت های بین المللی باشد که با گذشت زمان تاثیر فزاینده ای در تهران دارند. به طور خلاصه توصیه های این اندیشکده به دولتمردان آمریکا به این شرح است:

۱- واشنگتن هرگاه که ممکن است، باید نیروهای ایرانی و عوامل نیابتی این کشور را درگیر نزاع های کوچک و نا محدود کند و بدین طریق از توانایی آنها برای مشکل آفرینی در دیگر نقاط بکاهد. این امر به ناآرامی های داخل، ایران بی سروصدا دامن می زند تا منابع را از قابلیت های مشکل آفرینی در خارج دور کند.

۲- آمریکا هر جا که ممکن است، باید با همکاری متحدان اروپایی خود بر مواردی که ایران حقوق بشر را نقض می کند، متمرکز شده و از توانایی این کشور برای اقدام ضد معترضان بکاهد. بدین ترتیب، اعتراضات می توانند تداوم پیدا کنند و در عین حال حکومت مجبور خواهد شد منابع بیشتری را به این مسئله اختصاص دهد.

۳- با توجه به تشکیل گروه های مقاومت در کشورهای مختلف از جمله عراق، سوریه، یمن، لبنان و... با محوریت ایران، شرکای عرب سنی آمریکا می توانند با اتخاذ سیاست های فراگیرتر، ایران را از ادامه این تقویت و رهبری گروه های مقاومت محروم سازد.

۴- اگر مقاومت دیگر نتواند فتوحات باشکوه را محقق سازد، ایران شاید جذب عوامل نیابتی جدید را سخت و دشوار بیابد و درباره ریسک کردن، تمایل کمتری نشان دهد. بنابراین، تضعیف دستاوردهای

نظامی ایران از طریق وضع تحریم‌های اقتصادی، فعالیت‌های تبلیغاتی و اطلاع‌رسانی و نیز بهره‌گیری از عوامل نیابتی برای ضربه زدن به نیروهای طرفدار ایران، باید بخشی از تلاش‌های آمریکا برای عقب‌راندن ایران باشد.

۵- آمریکا و شرکایش باید تلاش کنند از طریق مسلح‌سازی و حمایت از گروه‌های مخالف ایران، اقدام به اجرایی کردن تحریم کنند.

۶- باید فعالیت‌های تبلیغاتی و اطلاع‌رسانی انجام دهند که هدف آن، نمایان‌سازی عملکرد ایران و هزینه‌های باشد که مردم ایران در اجرای تعهدات نظامی فراگیر حکومت می‌پردازند.

۷- آمریکا باید به کشورهای مختلف در گوشه و کنار دنیا فشار بیاورد تا پرسنل اطلاعاتی ایران را که تحت پوشش موسسات مذهبی و فرهنگی فعالیت می‌کنند، اخراج کنند و شهروندان خود را از تحصیل در ایران منصرف سازند.

۸- آمریکا باید در قالب فعالیت‌های اطلاع‌رسانی، کمک‌های ایران به کشورهای همسایه از جمله عراق را فریبکاری جلوه دهد و آن را در راستای بهره‌مندی از منابع مالی و ایجاد وابستگی آنها نشان داده و اینکه چگونه تهران به صورت پنهانی اعمال نفوذ می‌کند و مانع تقویت همسایگانش می‌شود و با این نفوذ، برتری خود را حفظ کند.

۹- آمریکا باید با رسانه‌ای کردن موارد نقض حقوق بشر در ایران، فساد در میان مقامات و انتشار اطلاعاتی درباره اینکه چگونه جمهوری اسلامی پول مردم ایران را خرج دامن زدن به نزاع در سوریه، لبنان، یمن و غزه می‌کند، تناقض میان حرف عمل ایران را نمایان سازند. امید می‌رود که این امر به نارضایتی‌ها در داخل ایران بر سر مداخله این کشور در منازعات منطقه‌ای دامن بزنند.

۱۰- آمریکا همچنین باید موضوعات مورد اختلاف میان شرکای تهران را برجسته کند؛ موضوعاتی مانند معاوضه چند صد جنگجوی داعش در ازای اجساد چند سرباز ارتش لبنان توسط حزب الله. تا بدین وسیله خشم عراق از حزب الله برانگیخته شود.

موارد فوق تنها گوشه‌ای از توصیه‌هایی است که این پژوهش به مقامات آمریکایی گوشزد کرده است.

منبع: خلاصه بسته تبیینی - تحلیلی «عقب‌رانی در منطقه و در حوزه هسته‌ای؛ راهبردی جامع در قبال

ایران در آشفتگی» مایکل آیزنشتات - اندیشکده سیاست خاور نزدیک واشنگتن - ۲۰۱۸

مترجم: اداره کل پژوهش خبرگزاری فارس